

برای هر کس يك مسکن مناسب

- داشتن يك مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است.
 - دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و بر اساس اولویت زحمتکش روستایی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده‌ای، بر خورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد.
- صفحه ۲

در صفحات بعد میخوانید:

- امریکا از ضد انقلاب در افغانستان حمایت میکند (صفحه ۶ ستون سوم)
- آیا واقعا «قحط الرجال» است (صفحه ۳- ستون اول)
- ندای حزب کمونیست لبنان به افکار عمومی جهان (صفحه ۶ - ستون اول)
- بجای تهدید ارتشیان انقلابی، ارتش را تصفیه کنید (صفحه ۶)
- «چپ» و راست به ضد انقلاب میدان عمل میدهند (صفحه ۳ - ستون اول)
- کارشناس نظامی و اسلحه امریکایی (صفحه ۴ - ستون دوم)
- دریا - شعری از موج (صفحه ۶ - ستون اول)

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۸
چهارشنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم تبهکار امریکاست

انقلاب ایران دشمنان ننگ دارد که در صدهای گوناگون، گاه هماهنگ و گاه مجزا، بکار توطئه و تخریب علیه دستاوردهای انقلاب مشغولند. امپریالیسم جهانی، صهیونیسم، گردانندگان و وابستگان رژیم پیشین، جاسوسان ساواک و سیا و موساد و کارگزاران داخلی انحصارات اروپایی و امریکایی که با انقلاب ایران منافع خود را از دست داده‌اند. اما در حلقه این دشمنان نابکار، امپریالیسم امریکایی عمده ترین، تبهکارترین و خطرناکترین دشمن است. این دشمن در مرکز همه توطئه‌ها و خرابکاریها علیه انقلاب ما قرار دارد، سر همه نخها به آن میرسد، اما لئاساد و محرک اصلی ضد انقلاب است. ارتش «داخلت سریع» تشکیل میدهد، با بشری از «مناقص» خود در خلیج فارس و کشورهای منطقه دم میزند و از زبان قره جاسوسان خود، انقلاب ما را به داخل نظامی تهدید میکند، عوامل خود را در خارج از ایران سازمان میدهد و بمبزهادران و مرزهای ما میفرستد، تدرکوت دوست و دشمن علیه انقلاب ایران عمل کنند، با استفاده از رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی علیه انقلاب ایران تبلیغ میکند، و با استفاده از کارگزاران ساواک و سیا و موساد در داخل کشور، با انواع

تحریک در میان روشنفکران، روزنامه نگاران، روحانیون، کارمندان، کارگران و دهقانان دست میزند، پیشگوییها و غیب نمایی‌های عجیب و غریب میکند رهبران انقلاب، افراد سازمانهای

بقیه در صفحه ۲

مجلس یاد بود برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه



از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران مجلس یادبودی برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه، ساعت ۷ بعد از ظهر در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برگزار میشود.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۴/۱۷

هشدار حزب توده ایران به مقامات مسئول کشور:

ساواکی‌ها را از زندان‌ها آزادمی کنند!

■ هزاران مامور ساواک، که آزادانه در میان مردم میگردند و اسامی رمز آنها هم کشف شده، باید افشاء و محاکمه شوند.

علاوه بر مأموران مسلح ساواک، هزاران مامور خیرچین ساواک که در بین مردم، در سازمانها، ادارات، دانشگاهها و محافل گوناگون فعالیت میکرده‌اند، همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند. تعداد این مأموران را بین ۵ تا ۳۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند. تهرانی، شکنجه‌گر معروف هم در دادگاه خود، تعداد آنها را ۸ هزار نفر دانسته است. رمز اسامی این افراد در هفته اول تیرماه کشف شد و این نتیجه بدست آمده که «تعداد عوامل ساواک در ایران بسیار زیاد بوده و آنان در تمام سطوح کشور نقش فعالانه داشته‌اند. از جمله نفوذ عناصر ساواک در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سایر رشته‌های دیگر بوده است تا بتوانند اطلاعات بیشتری کسب کنند.» (کجهان، ۶ تیر ۱۳۵۸) روشن است که حضور این دست پروردگان «سیاه»، که سالها دراز فن مبارزه با مردم ایران را آموخته و بکار بسته‌اند، در شرایط حساس امروز کشور ما، در میان مردم، تا چه اندازه، خطرناک است و ضد انقلاب چه بهره‌ای از آن برده، میبرد و خواهد برد.

این شبکه فعال می‌تواند برنامه ضد انقلاب را برای بدبین کردن توده مردم و از جمله اکثریت کارمندان که از برکت رژیم غارتگر آریامهری، وضع معیشتی بسیار بدی دارند، بخوبی اجرا کند. اشاره نخست وزیر به ناراضی و کم کاری در ادارات دولتی، گلشنه از دلایلی چون وضع اقتصادی آشفته بعد از انقلاب، که میراث رژیم شاه مخلوع است و یکی از نمودهای آن گرانگرای کالاهای مصرفی است، می‌تواند نشان دهنده فعالیت وسیع ضد انقلاب و مفسدانه موفقیت آن باشد. در واقع شبکه گسترده ساواک در ادارات، از عوارضی که میراث رژیم گلشنه است، بهره‌بردار می‌گردد. آنرا ناشی از انقلاب قلمداد می‌کند و میکوشد کارمندان، بویژه کارمندان متوسط و پایین را، که در صفوف انقلاب رزمیده‌اند و با اعصاب و با وجود رژیم سابق لطمه بزرگی زده‌اند و اکنون بحق خواهان بهبود وضع زندگی خود هستند، به انقلاب و رهبری آن بدبین کند.

شیخ ساواک، هنوز از خاک ایران رانده نشده است، با اینکه انقلاب بزرگ مردم ایران، دستگاه جهنمی ساواک را درهم شکست، گروهی از کارگزاران و جلادان آنرا فرازی داد و جمعی را به دادگاههای انقلاب سپرد، اینجا و آنجا، خبرهای متعددی از اعمال ساواک و حتی تجدید سازمان برخی ادارات آن شنیده میشود. اظهارات مقامات مسئول هم در موارد زیادی، این خبرها را تأیید میکنند.

اما معلوم نیست چرا اقدام فاطمی برای ریشه کن کردن این دستگاه شکنجه و اعدام بمل نمی‌آید، دستگاهی که ادامه فعالیت آن، بهر شکل که باشد، بزرگترین خطر را برای انقلاب ایران ایجاد میکند.

این خطر را قضات تحقیق و بازپرسان پیشین دادسرای انقلاب اسلامی، در دیدار با امام، چنین بیان کرده‌اند: «ما آمده‌ایم بگوئیم ارگان‌های ساواک علیه انقلاب، مخفیانه، عمل میکنند و هم اکنون منابع ساواک به کارش ادامه میدهند.» قرائن صحت این نظر را تأیید میکند.

واقعتاً اینست که وقتی قیام مسلحانه مردم در ۲۲ و ۲۱ بهمن ماه سال گذشته، رژیم آریامهری را فرو ریخت، عمال ساواک تا آخرین لحظات از سنگر خود دفاع می‌کردند. عصر ۲۲ بهمن، وقتی پادگانها و کلانتریها فتح شده بود، مأموران ساواک در کمیته و اوپن به مقاومت ادامه میدادند. ساواک سلطنت آباد هم، بعد از پیروزی انقلاب، یعنی روز ۲۳ بهمن فتح شد، در حالیکه ساواکها هنوز در آن مقاومت میکردند. اعتراضات شکنجه‌گران ساواک در دادگاههای انقلاب هم روشن کرد که در همان روزهای قیام مسلحانه، مأموران ساواک در خیابانها به شکار انقلابیون مشغول بوده‌اند. روشن است که این مأموران بعد از پیروزی انقلاب مخفی شده و به تشکیل شبکه‌های گوناگون ترور و خرابکاری پرداخته‌اند. برخی از این شبکه‌ها هم کشف شده است.

کارزار وسیع برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربات انقلاب

کارزار وسیعی برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربات انقلاب در جریان است. آتش افروزان این کارزار در سه موضع مختلف قرار دارند:

- ۱- عوامل دست پروردگان ارتجاع و امپریالیسم، که زخم خوردگان و زبانه دیدگان اصلی انقلاب ایران اند.
- ۲- نیروها و افسار و عناصری که به اقتضای موقعیت و منافع طبقاتی خود از رشد و تعمیق انقلاب بیمناکند، ولی به راه‌هایی که جای جامعه ایران را نه در جنبه مقابل امپریالیسم، بلکه در کنار آن - و با زعم باطل خود - با حقوق برابر و حفظ استقلال نسبی - جست‌وجو میکنند.
- ۳- گروهها و افراد ناآگاه، که بر اثر رسوب تبلیغات ضد کمونیستی در ذهنشان، دشمن اصلی و جزار را نه در وجود امپریالیسم بلکه در سهامی سوسیالیسم جهانی می‌بینند، کسانی که عاطفه تحریک شده و به بیراهه کشیده شده‌اند، جای واقعی دوست و دشمن را در اندیشه و قضاوتشان جا بجا کرده‌اند...

بقیه در صفحه ۵

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

«چپ» و راست به ضد انقلاب میدان عمل میدهند

«ضد انقلاب» فعال است. این ابلهان زدیلت بهر شکلی خود را میارایند، هر قاتی برسمایا میآویزند، بهر رنگی درمیآید، بهر گروه و سازمانی سر میگذارد، هر عقیده و هر مذهب را میپسندد و با اینهمه تنها در خدمت یک هدف ضد مردمی است و آن بهر برادری از آشفته‌گی‌های ایران پس از انقلاب، به منظور تخریب آن از درون است. با این هیوار و راه را بر ضد انقلاب بسته اند.

اما متأسفانه همیشه هشیاری وجود ندارد و کسانی، آگاهانه یا ناآگاهانه، به اقداماتی دست میزنند که نتیجه نهایی آن قتل بود ضد انقلاب است.

اقدامات گروه‌های چپ رو و چپ‌نما در اصلاح تازانیدن انقلاب، در طرح شمارهای بی‌موقع، در برانگیختن اغتشاهای نامتضمن، در ایجاد بی‌ثباتی در عین حال که با نجاتی که منجر به فلج شدن جرح برخی مؤسسات تولیدی شده، در تحریک دهقانان به عدم تحویل محصول به دولت و غیره و غیره، در مجبور می‌شود که جناح راست انقلاب با همان‌ها قرارداد این اعمال نادرستی و زیان‌بخش، فشار خود را به‌ر مردمی انقلاب و مسوولان آن برای تعیین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک تشدید کند. برخی قوایین ضد دموکراتیک و ضد آزادی که در حلقه‌های اخیر به تصویب رسیده است، نظیر قانون دادگاه‌های فوق‌العاده ضد انقلاب، قانون عضویت در ارتش، چیزی جز تشدید فعالیت این جناح نیست که موفق شده است. تصویب این قوانین را تمهیل کند. ضد انقلاب در میان این هر دو گروه فعال است و برای ادامن زدن به ناراضی مردم، هم نقلاب «چپ» به‌چهره میزند و هم به‌کسوت راست در میاید.

دولت خود نیز در این میان، با عدم قاطعیت، ضعف تصمیم‌گیری و بی‌توجهی به خواسته‌های منطقی و قانونی افکار و طبقات مختلف زحمتکش، از فرصت‌های متنوعی که به‌ضد انقلاب عرضه میکند، نمونه میآوریم. طبقه کارگر مطالباتی دارد، این مطالبات در این

کارشناس نظامی و اسلحه امریکائی

پدنبال گزارش خبرگزاری فرانسه از منابع مطلع در تهران، مبنی بر اینکه ۴۰ نفر کارشناس و تکنیسین نظامی امریکائی به‌سازاری وارد ایران شده‌اند، آقای امیران نظامی-بعنوان سخنگوی دولت- مصاحبه‌ای انجام داد در این مصاحبه نه فقط گزارش فرانسوی را تکذیب نمود و اساساً آنرا ناصحیه گرفت، بلکه اظهار داشت: «... سرمایه‌گذارانی که ما در چند سال گذشته، بخصوص در مورد اسلحه کرده‌ایم. در حدود ۳۰ میلیارد دلار است و ملت ایران (۱) به‌ویژه اجازه نخواهد داد که این اسلحه‌ها به‌دور ریخته شود و با شرط عدم مداخله امریکا و نشان دادن علاقه آنها، به‌داشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی ایران، که خوشانتم بارها اعلام کرده‌اند، از تکنیسین‌ها و متخصصین آنها برای استفاده از ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ملت ایران استفاده خواهیم کرد.»

ضمناً خبری حاکی از اینکه دولت در حدود ۱۴ میلیارد دلار در اسلحه‌های تهاجمی اف. ۴ و بمب‌های فوکنس را برای امریکا پس دهد یا باز فروش کند، از طرف آقای انتظام تکذیب شد. بگفته ایشان، «اینها اسلحه‌هایی هستند برای دفاع از مرزهای ایران و مورد نیاز دولت و ارتش اسلامی...»

این بیانات سخنگوی دولت بسیار نگران کننده است. ایشان می‌تواند دلاری را که شاه منتقل برای خرید اسلحه تهاجمی بقصد ایفاء نقش «ژاندارم منطقه‌ای» امریکائی در ایران بپشت‌مال ملت برداشته کرده «سرمایه‌گذاری» نامیده اظهار می‌دارد که، برای استفاده از این سرمایه‌گذاری، یعنی «استفاده» از این تسلیحات، امریکا بداشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی و عدم مداخله است، که آنهم بعقیده سخنگوی دولت حاصل آمده است. چون ایالات متحده امریکه-خودشان بارها اعلام کرده‌اند، پدنبالمان با نظریاتی روبرو هستیم-حاکمی از اینکه، اولاد دولت امریکائی تهاجمیت داده و از یک دولت امریکالیستی-مداخله‌گر، یک دولت میرا از مداخله‌گری بصدل شده است. قائلان مستشاران و تکنیسین‌ها و متخصصین امریکائی- این مأموران پنتاگون... می‌توانند در ایران بمانند و بایران بمانند و تمام ماملت خرید اسلحه ما فوق مدرن تجاوزی را که یکی از آنها معامله خرید ۸۰ فروند جنگنده اف-۱۴ است (تاکنون فقط تعدادی از آنها تحویل شده)، و اینها چون بولی که بابت ایستگنه اسلحه تجاوزی پرداخت شده و می‌شود، «سرمایه‌گذاری» نیست، به تازاج دادن درآمدی مردم ایران آن مردم‌فروخته‌اند، آن زحمتکشان ایران، آن مستضعفینی است که هنوز در سرزمین زرخیز ایران بنان شب محتاجند، ما با امریکائی استیلاگر، بگردش درآید.

چرا اجنایتکار رژیم شاه مخلوع فقط به ۳ سال زندان محکوم شد؟

همزمان با اعتراض به حق باذیرسان دادگاه انقلاب به احکامی که اکنون، پس از تصفیه این دادگاه‌ها صادر می‌شود و ضد انقلابیون واقعی از بندرها می‌روند، دادگاه انقلاب اسلامی اسفهان در باره یکی از مهره‌های کار ساز و جنتی‌کار ساواک حکمی صادر کرده است که تعجب و تأسف و اعتراض هر ایرانی و وطنپرست را برمی‌انگیزد. نظیر چنین احکامی در باره جنایتکاران حوادث دوران انقلاب نطفه‌آباد اسفهان نیز صادر شده بود که با عکس العمل شدید و بجای مردم مواجهه شد، بطوریکه بار دیگر ساله تجدید محاکمه آنها مطرح گردید.

دادگاه اسفهان جمشید بزرگ‌زاده، کارمند ساواک را، کور دهها عملیات سرکوب شرکت داشته، به ۳ سال زندان محکوم کرده است!

قبل از بر اظهار نظری درباره این حکم دادگاه انقلاب اسفهان، نکاتی کوتاه به اتهامات جمشید بزرگ‌زاده، که در دادگانه‌ها بنوعی کفایت خواست قرائت شده، کافی است تا همگان بدانند که عدالت در این دادگاره رعایت نشده و اینگونه اغماض‌ها در برابر ضد انقلابیون واقعی و سزاسپردگان جنایت پیشه رژیم سابق عجل است. به‌آسباب شد انقلاب ریختن و دلگرم کردن صدها و هزاران مأمور فراری ساواک رژیم سابق برای تشدید فعالیت‌های ضد مردمی و انقلابی‌شان است.

طبق این کفایت خواست، جمشید بزرگ‌زاده، که تنها به ۳ سال زندان محکوم شده، متهم بوده است به: ۱- شکر کتدر اکمپ‌های ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ شیدز - کوش - کرکس - عقاب - افشین و بابک سازمان سازمان اطلاعات کشور (پرشکخه میدانند و در جریان محاکماتی که در تهران جریان داشت رسماً از سوی عالی‌سواک اعلام شده که فعالیت این گروه‌ها متمرکز بوده است در مبارزه علیه انقلابیون و سرکوب و شش‌شش‌های (شکجه آنها) ۳- توقیف و ضبط ابزار کار انقلابیون، شناسایی آنها برای دستگیری، حمل اسلحه جهت مقابله با چریک‌ها و سایر فرزندگان انقلابی، شرکت در برآکندن اجتماعات دانشویان در مسجد جامع نجف آباد، شرکت در تیمه‌ای کشتی ساواک در شهر، عضویت در کمیته مشترک با اصطلاح‌خرا بکری و بازرسی منازل.

این مأمور ساواک، طبق کفایت خواست قرائت شده، ۱۲ سال محکوم تهرانی معدوم، رئیس امنیت داخلی ساواک بوده و در عملیات مقابله با انقلابیون و تراندازهای بسوی آنها، سازدسی از یونیه‌های مسافر برای شناسایی خاصین انقلابی و دیگر اقدامات ضد مردمی شرکت داشته است.

فقاوت درباره حکمی که صادر شده و اختلال در کار انقلابی دادگاه‌های انقلاب و بحق بودن اعتراض و نگرانی باذیرسان دادگاه‌های انقلاب درباره فراد جنایتکاران رژیم گذشته از مکافات را به‌نهد مردم باید گذاشت.

کارزار وسیع برای خارج کردن امریکا از زیرو ضربات انقلاب...

با این مرزبندی، سخنان بر معنی حجت‌الاسلام فغاری در هفته گذشته، بنوعی یک موضع‌گیری مشخص در این کارزار وسیع، که چوچه مشترک زیادی با بسیاری از برداشتها و تبلیغات و سیاست‌های رسمی و غیررسمی دارد، بر جستگی خاصی می‌آید. حجت‌الاسلام فغاری خطاب به خانواده‌های مجاهدین خلق، که در دادگستری متخصن شده بودند گفت،

«ما که امریکا را بیرون کرده‌ایم نمی‌خواهیم شوروی بجای آن بیاید.»

این موضعگیری و نظایر آن از دوسو در چشم انقلاب ایران خاک می‌باشد و آنرا به بیراهه می‌کنند.

۱- جنون برداشتی‌لقاء کننده این نظر است که انقلاب ایران خطر امریکا را از سر گذراند، و دفتر این بولوازی هزار سراسر را بسته است، در حالیکه میدانیم چه اصل نبرد برای انقلاب ما چه نبرد با امریکالیسم بود و راس آن امریکالیسم آمریکاست. نبرد در این عرصه به آغاز خود بسیار نزدیک است. این پایان خویش است. هر گامی که انقلاب به جلو بر می‌دارد، این کارزار شدیدتر، پرجنگل‌تر و حیاتی‌تر می‌شود.

۲- دانستن امریکالیسم جهان‌نوا را امریکا و اتحاد شوروی به یک چوب، قراردادن آنها در کنار هم و تبلیغ این پنداره که این هر دو به یکسان در کمین انقلاب ایران و آماده بلعیدن آن هستند، لوت کردن واقعت است. عوض کردن جای دوت با دشمن، محروم کردن انقلاب از حمایت دوستان واقعی آن، گمراه کردن خلق‌های ما در تشخیص خطر عمده‌ای که خود را وجود امریکالیسم درنده و فرارگر امریکا، تمامی نیروی خود را علیه آن بسیج کرده است. این نوع جبهه‌گیری و سبهاش را اگر نخواهیم مغرزشانه هدایت شده و دست پخت محافل آتشیانی بخوانیم، باید آنرا اشتباه سهواً آمیز بدانیم و بدهاش را در ناآگاهی و فقر تفکر سیاسی بیابیم. در هر دو حال، این گونه اظهارات و فقاوت‌ها تنها آب به یک آسیاب می‌ریزد، امریکالیسم...

روی این معنی کمی مکتب کنیم.

در شرایطی که تشکیل جبهه متحدی از همه نیروهای خلقی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و پیش‌تازانیدن آن مبرم‌ترین نیاز انقلاب است و تشکیل چنین جبهه‌ای جز با درگ اهمیت و عظمت خطر امریکالیسم و مبارزه بی‌گهر و همه جانبه با آن میسر نیست، طرح این ادعا که امریکالیسم یا یکی از آن کشور بیرون انداخته‌ایم فاجح!

و گویا طومار آرزو هم پیشچندایم، چه اینکه امریکا را از زیر ضرب بیرون کرده، به مردم مبارزین پیش شده ضد امریکالیست آسودگی خیال دهد، چه نتیجه‌ای بهار می‌آورد؟

امریکالیسم همه‌جا بعورت آشکار و نهان در کمین نشسته است. تشکیل نیروی ۱۰ هزار نفری امریکا جهت اعزام با القانوس حسد و خلیج فارس، بگمان هیچ داد لوسی تدارک یک مهمانی چندت نیست. این لشکر کشی عظیم و پرجش با شیخ علی‌امریکالیسم به انقلاب ضد امریکالیسم ایران است که تامل نرودها را در پیش حساسی از جهان به‌رینجه و آثار ناشی از آن تازده در راه است.

هنوز پالیزبان‌ها و اویسی‌ها به‌پشت گرمی و تحریک مستقیم امریکا در غر ب کشور سرگرم آتش افروزی و توطئه‌چینی مسلحانه‌اند. هنوز باقی‌ها و صدها کارشناس و جاسوس فراری ساواک در مسرور اسرائیل و سایر کشورهای اوضاع تقه‌های غریبگرایانه برای گمراه کردن، پنهان و آشکار، وجود خواهد بود تا آنکه از درد «فصل‌الجال» بنالد.

رفقا و دوستان گرامی توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر ارگان‌های تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه‌ها و مجلات و نشریات حزب در زمان غلبی بودون حزب، قبل از سال ۲۷ و ۲۸ مرداد و در ماه‌های پس از کودتای نادر در حال حاضر ارگان‌های مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی‌بخشی در روش‌های کار در هر مورد مشخص در پیش گرفته شده، با برای آگاهی به رویدادهای گوناگون و موضعگیریهایی در خصوص تحولات سیاسی مختلف و همچنین دست‌یابی به نوشته‌های رفقای شهید، با این جزئیات و نشریات نیاز واقعا حیاتی و بی‌جان‌شود دارند.

امیدواریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باین درخواست ما پاسخ دهند. دفتر «مردم» در خیابان ۱۶ آذر، روبروی دانشگاه فنی، شماره ۶۸، در انتظار همکاری فوری و مؤثر شماست

داستان گفت و گوی نهضت مقاومت فلسطین و امریکا

ابو ایاده، صلاح خلف، از رهبران سازمان الفتح اعلام کرد که خبر مربوط به گفت‌وگویی مقامات مسؤل امریکا و نماینده نهضت مقاومت فلسطین یک مانور دیپلماتیک است که از امریکا الهام می‌گیرد.

صلاح خلف، که با روزنامه السبیر، چاپ لبنان مصاحبه می‌کرد، گفت که به عقیده وی اگر امریکاییها وارد چنین گفت‌وگویی با فلسطینیها شوند، فقط بدین منظور است که پای نهضت مقاومت فلسطین را به تضمین پیمان صلح مصر و اسرائیل بکشانند.

ابو ایاده متذکر شد که در این گفت‌وگویی بدین علت به ریاست هیئت امریکایی در گفت‌وگویی مربوط به خود مختاری کرانه غربی اردن و غزه انتصاب شده است که وی و یو نده‌های با هموینوم دارد و غرض این است که اسرائیل به اتخاذ روش ملایم درباره سرزمینهای اشغالی و جعل رضایت انورسادات متقاعد شود.

... و تنها راه حل قابل قبول فلسطینیها پایداریات رئیس‌جمهور امریکا سازمان آزادیبخش فلسطین، مخالفت سازمان خود را با هر گونه گفت‌وگویی با امریکا اعلام کرد. وی این مطلب را در گفت‌وگویی با برنر کرایسکی صدراعظم اتریش بیان کرد.

کرایسکی نیز قبلاً نظر دولت اسرائیل و خود را درباره موضوع خاورمیانه اعلام کرد و گفت: «تنها راه حلی که قابل قبول برای فلسطینیها باشد، می‌تواند برای خاورمیانه مفید باشد.»

درباره حوادث یاسوج

کزارشی که در زیر می‌خوانید پیرامون رویدادهای یاسوج به «مردم» رسیده است.

در روز دوشنبه ۴ تیرماه عده‌ای از طرف کمیته برای توقیف و دفن از کرامت‌مندان را به استانداری می‌روند، ولی با مخالفت شدید استاندار دوبرو می‌شوند (۳ تیر) استاندار این کار را توهین قلمداد می‌کند (مأمورین کمیته به اجبار وارد استانداری شده و دفتر منور را توقیف می‌کنند. بطوریکه شایع بوده رئیس کمیته گویا کاشین‌ها هم به استاندار میزند و استاندار استغفا داده بطرف تهران حرکت می‌کند. مردم به اعتراض می‌تازند از ساعت حدود ۲ بعد از ظهر در مسجد بزرگ یاسوج اجتماع می‌کنند و اختلال کم‌کم در محله‌های محلی حسینی برادری‌ها، که تمام مردم معتقد بودند ضسو ساواک بوده‌اند، می‌خواهند.

عده‌ای از عشار اطراف به شلیک می‌کنند، عده‌ای آینه‌ده‌های دیگر به پشتیبانی مردم تا صبح شهر در محاصره بود و چند تیراندازی کوچک و وسیع‌الحالی و کلیه ادارات یاسوج و دو کمدان به پشتیبانی استاندار آمدند و مردم میجازات ملک حسینی (که ضوروی یواد است، مردم نیز هست) را میخواستند.

شکردهای مائوئیستی

مائوئیست‌های ایرانی با آنکه در کار تفرقه‌افکنی میان نیروها خود را استاد میدانند، علیرغم کوشش مائوئیست‌ها می‌دارند، برای فراوان برای ایجاد پراکندگی در صفوف طبقه کارگر، توفیقی نداشته‌اند. تبلیغات مغرب‌تازان در درون کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی، در خا که کارگر و در هر کجا که محل تجمع کارگران بوده، اسرائیل هرگز می‌تواند با افراد خود را آموزش میدهد تا بتواند بدون سندیکی با بنندگان بوزنی رخسه نماید و اسرائیل بگری خود ادامه دهد.



آیا واقعاً «قحط الرجال» است

از همه تر قیخواهان، میهن‌دوستان، آزادیخواهان، از هر فرد صالح و واردی که طرفدار انقلاب و مخالف با امریکالیسم است، باید استفاده شود.

آقای بازرگان نیست وزیر، در لطق دادبو تلویزیونی چهارشنبه گذشته، در مورد کارهای مورد نیاز کشور گفت که، تکثیر به تندی خود به و در این فصل الرجال مادیگر کسی نداریم که برای اداره امور برگزینیم.

مسئله گذر رهبری کننده، مدیران و متخصصان، در هر کشوری مسلمانه است. در کشور ما، بعد از انقلاب و بدنبال ضرورت بی‌تردید تصفیه دستگاه دولتی و پاک‌سازی حتمی و قسطنطین‌های حساسی از عوامل درودندستانه مخلوع و سزاسپردگان با همیالیسم و طرفداران سرمایه‌داری و بسته و فارتگر این مسئله سی حائز و حیاتی‌تر است. آقای نستو زینر هنوز توان آنرا در خویش نگرفته است

کمدیمان اینهمه مردم صاحب‌صلاحیت و وارد بامور و روشنفکران تصدیق‌کننده و آزادخواهی که با نهایت مسمیمیت واردات و ممال، حاضر بنیست مطلق زحمتکش هستند، افراد میاسب و لازم را بیاید، ایشان هنوز نتوانسته‌اند که این نیروی عظیم و لایق را در بین خود مردم انقلابی ایران، در بین روشنفکران صدیق‌و صالح ما کشف کنند. و این موجب کمال تأسف است.

اما علت این ناتوانی روشن است. ایشان در مورد وادی‌های بی‌تک بدنبال مطلوب میگردند و بناچار، در میان اینهمه روشنفکر

استفاده نمیشود، تنها بسا بن علت‌های تکثیر انتخاب کننده دستگاه دولتی آنها را کنار می‌زنند، راهشان نمیده، دلسردشان میکند؛ اما البته با دلوری، خانه نشینی، کناره‌گیری، ترک سخن و غرور شدیداً مغالطه و برعکس فعالیت صمیمانه بسودخلق و انقلاب را در هر شرایط دشواری توصیه می‌کنیم. ولی در ضمن وقتی با چنین پدیده‌هایی در مسرود روشنفکران خلقی و مترقی روبرو می‌شویم، می‌پرسیم، گناه از کیست؟ از مسرود و روشنفکران انقلابی، یا از ملاکهای گزینش؟ آیا روش دولت نمی‌شوند در دراز مدت عواقب شومی برای ایران داشته باشد! محروم کردن کشور ما و انقلاب ما البته از اینهمه نیروی فاضل انسانی، آنگاه، پس‌توان، متخصصین، کاربر، مومن خیل و مخالف با ضد انقلاب و با امریکالیسم، فقط و فقط بصرف آنکه دارای عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی دیگری هستند و همانطور که انقلاب ما بود، ملیت وومی از انواع مکتب و مسلک‌ها را در بر میگیرند، آیا کار درست و انقلابی است؟

حنا نظور که انقلاب با وجود همه نیروها پیش‌رفت، دفاع از انقلاب و ایجاد نهادهای مستحکم و کارآفرین و ترقیخواهان را، که با وحدت عمل نیروهای مختلف، ولی متحد امکان‌پذیر است، راه حل بنیادی و قاطع و دراز مدت این مسئله را در واقع باید در همان‌جبهه متحد خلقی، در همان همکاری و عمل مشترک کلیه نیروهای انقلابی و ضد امریکالیستی بدون استثناء و بدون انحصار و تبعیض جست. این راه یک دولت انقلابی امکان خواهد داد که از همه این نیروها وسپا استفاده کند و برای اجرائی یک برنامه مشترک، همه نیروهای عظیم انسانی ایران را که بواقع کارآ، متخصص، منیر و فایده‌خیز است، بسیج کند و بکارگیرد و در راه خدمت با مردم انقلاب و پیشروان به فعالیت بفریخت و دادد. با این سلاح برآ خواهد دید که در مردم ما و روشنفکران ما استعدادها و توانایی‌های بقدری زیاد است که احتمال آنکه یک دولت انقلابی دچار دروغ‌واری انتخاب شود، بعین خواهد بود تا آنکه از درد «فصل‌الجال» بنالد.

دریا

چشمه را نیست پیامی به جز این بادریا
 که کند قطره‌ها، عزم سفر، تا دریا
 قطره‌ها جوی شد و رود شدند آنجه جوی
 و آنجه رود بسایمخت، مگر با دریا
 حزب ما، زنگی از آلودگی نیست به لوح
 آری آینه صافیت سرا پا دریا
 نهفت ما، به نهی مفرز چه خواهد کرد؟
 با حجاب آن کند آخر که به خارا دریا
 کوه، حیران، که پس از آنجه توفان به محیط
 هرچه دیدیم دگرگونه شد، الا دریا
 تند باد از خس و خاشاک نشانی نگذاشت
 ساحل آرام شد و ماند مصفا دریا
 آفتاب نظیر از مشرق امید دمید
 باشد از پرتو این مهر، چه زیبا دریا
 صدفی را صدفی داد بشارت که هنوز
 موج، موجست و گهر، گهر و دریا، دریا
 تیر ۱۳۵۸ - موج

بجای تهدید ارتشیان انقلابی، ارتش را تصفیه کنید

همافران نیروی هوایی که به توقف کار حیاتی تصفیه در ارتش و بازگشت و اهل رژیم گذشته بر مسند ارتشی اعتراض دارند، اعلام داشتند که تمسح مشروط خواهند کرد. آنها در جریان همین اعتراض، به اظهارات و اعمال فرماندهان در مرکز نیز اعتراض دارند. ما صرف نظر از نحوه اعتراض و شکل ظاهری عمل ارتشیان در اعتراض به فعل و انفعالاتی که در ارتش صورت میگیرد، این خواست منطقی گروههای انقلابی دوران ارتش را تأیید میکنیم که ارتش هر چه زودتر

امریکا از ضدانقلاب در افغانستان حمایت میکند

پساره‌ای از محافل، سیاستمداران، رهبران و افرادی که بنوعی خود را سهم در پیروزی انقلاب میدانند درباره امریکا اظهار نظرهای میکنند که گاه واقعا باعث تمجید و تأسف میشود. این اظهار نظرها گاه گاه دعوت از امریکا و گاه پشتیبانی از وابستگی‌های نظامی و غیر نظامی ایران به امریکا است. در مورد دوم به صراحت میتوان به اظهارات وزیر امور خارجه و نخست وزیر دولت موقت در باره قرارداد های نظامی به امریکا و خرید وسائل پدکی تجهیزات نظامی خریداری شده از امریکا اشاره کرد که این روزها مورد بحث میلوها ایرانی است که مستقما در پیروزی انقلاب نقش داشته‌اند و اکنون از خود میبرند، در حالیکه امام خمینی بی‌وقفه روی قطع پیوند ایران با امریکا، که روابط ظالم با مظلوم است، تکیه میکند، چرا برخی مقامات دولتی از حفظ پیوندهای نا برابر بین ایران و امریکا دفاع میکنند؟

اما در مورد نخست، که بی ارتباط با مورد دوم نیست، باید به اظهارات آیت‌الله قمی در صحابه با سردبیر مجله امریکایی جی. ای. اشاره کرد. این اظهارات، در آنجا که مربوط به دخالت در امور داخلی افغانستان و باعث تشنج در مرزهای ایران و تهرکی روابط حسن همجواری بین دو دولت انقلابی ایران و افغانستان میشود، باعث تمجید و تأسف هر ایرانی مهربان دوست و با حسن نیت است. ایشان اعلام داشته‌اند که اگر امریکای حقوق بشر، واقع میکند، چرا در جریان کشتار وحشیانه مردم افغانستان سکوت اختیار کرده است ۱۱

ما جدا از این مسأله، که افغانستان همصدائی شود.

اسرائیل است. پشتیبانی اسرائیل از نوکر خود سعد حداد، برای اعلان دولت خود در سرحدات اسرائیل، مثالی بر سیاست توسعه طلبانه اسرائیل و کوشش آن برای تقسیم لبنان و سپس اعمال تسلط کامل خود بر مناطق جنوبی و پشتیبانی از نیروهای قاضیت لبنانی است.

هدف این تجاوزات اینست که تصمیمات شورای امنیت را مبنی بر خروج تمام نیروهای اسرائیل از زمینهای جنوب و بزرگاری حکومت قانونی در تمام سرزمین لبنان، در چهار چوب مرزهای شناخته شده بین المللی، برآورد کند.

هدف تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان اینست که زمان اقامت نیروهای صلح بین المللی در لبنان را بدارازا کشاند و اثر کوششی برای حفظ وحدت و استقلال لبنان جلوگیری کند. مردم شرافتمند جهان! در لحظه کنونی که خلق لبنان با نیروهای انقلاب فلسطین در نبردی شجاعانه بر ضد تجاوز اسرائیل درگیر و بادسیس امپریالیسم، سادات و صهیونیسم مواجه هستند، از شما می‌خواهیم که از مبارزه عادلانه ما پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام کنید. پشتیبانی شما از مبارزه عادلانه خلق ما اهمیت بسیار دارد، چون این امر با کوشش‌های ملل جهان برای جلوگیری از تجاوز و خاموش کردن کانون‌های خطرناک ضد صلح در منطقه و در جهان نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین این همبستگی برای حفظ استقلال لبنان و حمایت از خلق عرب فلسطین اهمیت زیادی دارد.

مردم شرافتمند جهان!
 - صدای خود را برای همبستگی با مبارزه آزادی خواهانه خلق لبنان و جنبش میهنی آنها بلند کنید.
 - تجاوز اسرائیل به لبنان و بطور خاص به جنوب آن را محکوم کنید.
 - دسیسه امپریالیستی سادات و صهیونیسم علیه ملت ما و خلق فلسطین را فاش کنید.

ندای حزب کمونیست لبنان به افکار عمومی جهان

خطر آوارگی و مرگ هزارها نفر از مردم لبنان را در جنوب این کشور تهدید میکند. جنوب لبنان باز به صحنه جنایات اسرائیل و نوکران آن مبدل می‌شود.

در هفته‌های اخیر، اسرائیل با استفاده از نیروهای نظامی زمینی، دریایی و هوایی، شهرها و روستاهای جنوب لبنان را بمباران و موشکهای خود را بسوی اهالی بیگناه، چه لبنانی و چه فلسطینی، پرتاب کرد و به مناطق صنعتی آسیب فراوان رساند.

هواپیماهای جنگی هر روز به حریم هوایی لبنان از جنوب تاشمال رخته می‌کنند و آبهای لبنان را زیر تسلط خود قرار میدهند. این روش، هدف آنها برای قانونی جلوه دادن حضور خود در لبنان و همچنین انجام سیاست خود مبنی بر اعلام جنگ بر ضد خلق فلسطین، در هر نقطه که باشند تأمین می‌کند.

مردم شرافتمند جهان! از شما پنهان نیست که یکی از اهداف سیاست کنونی اسرائیل بر ضد مردم لبنان اینست که، بوسیله ماشین جنگی خود، برای ملحق شدن لبنان به دسیسه سادات و بکون و تحمیل صلح توهمین آموز بر ملتها فشار وارد آورد، و این با مانع ملل عرب بطور کلی و حقوق خلق عرب فلسطین بطور خاص در تضاد است.

این تجاوزات مؤید سیاست ترور و توسعه طلبی

آیا روزنامه آیدگان «بیطرف» است؟

آیا روش بیطرفی حکم نمیکرد که در مقابل این مقالات، فقط یکی از مقالات حزب درباره سیاست مطبوعاتی ما چاپ شود تا خواننده خود قضاوت کند؟

برخورد با شهدای حزب توده ایران

بزخورد آیدگان، با شهدای حزب توده ایران هم، که مانند همه شهدا، به خلق ایران تعلق دارند، به سبک خاصی است. ابتدا، در سالروز مراسم سهاکل، آیدگان «رقای شهید تورج حیدری» می‌نویسد و در همین شیخ زاده را، که از بزرگ‌های فدائی خلق همراه گروهی به حزب ما پیوسته بودند، «اپورتونست» خواند. بدسیسه کردشدهای حزب ما را، یا از رهبری حزب یا از خود حزب جدا کند. هنگام برگزاری مراسم رفیق شهید خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزنامه آیدگان، هم در خبر صفحه اول پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت هم در ستون یادشدهایان در دوم خرداد، روزبه را «عضو صدیق و مبارز حزب توده» معرفی کرد.

در سالروز شهادت ۵ رفیق حزبی ما در دوم خرداد، درستون یاد شهدایان، آنها را چنین معرفی کرد: «محمد اقدام دوست، عضو کمیته ایالتی گیلان، «علی بلندی، عضو کمیته ایالتی و سازمان جوانان شهرستان رشت» که البته این دو رفیق عضو کمیته ایالتی و سازمان جوانان حزب توده ایران بوده‌اند و آیدگان، حزب توده ایران را حلف کرده است.

پنج شهید کارگر و دهقان حزب ما در روز ۲۹ خرداد در بابل و شهادت رفیق فریدون، ابراهیم در اول خرداد هم در آیدگان، نادیده گرفته شد. اما چون این روش درباره رفقا تهرانی و حکمت‌جو قابل اجرا نبود، روش دیگری بکار برده شد. از این دو شهید قهرمان در ستون یاد شهدایان، که در آن سابقه و تعلق سیاسی و مبارزاتی شهدا شرح داده میشود، پادی نشد و تنها خبر خلاصه مراسم سالروز شهادت این دو رفیق، البته بدون عکس، در آیدگان، به چاپ رسید.

ما فعلا به ذکر همین مثال‌ها بسنده نمی‌کنیم و با توجه به اعلام «بیطرفی» و «استقلال» از طرف روزنامه آیدگان، قضاوت را در باره روش «بیطرفانه» و «مستقل» این روزنامه بعهده خوانندگان، از جمله خوانندگان آیدگان، می‌گذاریم.

دادگاههای ضد انقلاب، بر خورد عمالی و انتقادی میکند، «آیدگان» در ستون «پایان هفته» خود (۷ تیر - صفحه ۱۶) وقتی در این باره بعنوان «از مهم‌ترین حوادث بعد از انقلاب حرف می‌زند، می‌نویسد که هیچ روزنامه‌ای غیر از «پیغام امروز» و «آزادی» متوجه این مطلب نشد. به همین چند مثال بسنده کنیم و بگوئیم که «چشم بستن» بر اخبار حزب توده ایران، سیاست عمده خبری و آیدگان است.

اما یکبار نتاورد حزب ما، چنان در اجتماع حضور دارد که «چشم بستن» بر این حضور گاه حتی برای تلویزیون هم ممکن نیست. در چنین شرایطی سیاست دیگری «رو» میشود و جالب اینست که آیدگان، که تلویزیون را بملت وجود سانسور و اختناق در آن پشت «محکوم» می‌کند و حتی در مصاحبه اول خود جای خاصی را به اخبار ضد تلویزیونی اختصاص داده است، در مورد حزب ما کموبیش سیاست تلویزیون را اجرا میکند. این سیاست استفاده از سهاشی و افتضای مائولست‌ها علیه حزب توده ایران است، که در واقع «آیدگان» با چاپ مقالات آنها، که در نشریات خودشان خوانندگان انگشت شماری دارد، تیراژشان را افزایش میدهد.

این سیاست، ظاهراً از وقتی شروع شد که حزب ما، از برخی از روشهای چپ‌نمایانه برخی روزنامه‌ها و از جمله «آیدگان» انتقاد کرد. «آیدگان» که بایک تلفن و بایک مطالعه عادی میتواند از یکی از اصول سیاست حزب ما، که دفاع از آزادیهای دموکراتیک و از جمله آزادی مطبوعات است و بارها در اسناد حزب و همچنین روزنامه «مردم» اعلام شده است، باخبر شود، (بفرش آنکه بی‌خبر باشد) ابتدا خبر کاملاً تحریف شده‌ای را از قول خبرگزاری فرانسه، در صفحه ۱۲ - شماره پنج خرداد خود، درستون «ایران از نگاه جهان» چاپ کرد و بدنیال آن، درستون، از میان مطبوعات خود، بطور پیکین به چاپ مطالبش از دروغ مائو، ستها و تریسکت‌ها علیه حزب ما پرداخت. باین ترتیب،

۵ خرداد مقاله‌ای از ذکر کرد، ۱۰ خرداد از «پیکره» ۲۳ خرداد از «انداچ»، ۲ تیر از «پیکر خاق»، ۱۰ تیر از «حقیقت».

سیاست ضد توده‌ای و ضد کمونیستی، از هریتی که ناشی شده باشد، خاصه در شرایط امروز ایران، که «اتحاد نیروها» در آن بسیار حیاتی‌تر از هر زمان دیگر است، بی‌شبهه بسود ضد انقلاب تمام میشود.

بگمان ما، پاره‌ای از محافل و مطبوعات، که سیاست ضد توده‌ای را پیش گرفته‌اند، چون مائولست‌ها و مطبوعات راست افراطی، عملاً جز خدمت به امپریالیسم کاری انجام نمیدهند؛ اما برخی از روزنامه‌ها هم، که خود را «مستقل» و «بیطرف» معرفی میکنند، بایش گرفتن سیاست ضد توده‌ای، دانسته و ندانسته، اجازه میدهند که امپریالیسم خونخوار بهترین بهره‌برداری را از سیاست آنها بکند.

درگره دوم، روزنامه آیدگان، چنان باین سیاست پرداخته، که دیگر میتوان آنرا «سیاست پیکر» خواند.

سیاست ضد توده‌ای «آیدگان» چگونه اعمال میشود؟ این سیاست را میتوان بطور عمده در مورد انکس اخبار مربوط به حزب توده ایران، نحوه برخورد با شهدای حزب و چاپ مقالات سراپا دروغ و افتضای مائولست‌ها علیه حزب توده ایران طبقه‌بندی کرد.

سیاست خبری «آیدگان» در مورد حزب توده ایران، در وهله اول «ندیدن» رویدادها و اخبار مربوط به حزب است. در حالیکه خبر مشروب شدن ۲ فروشنده روزنامه فلان گروهک سیاسی (قطب بمتوان یک نمونه) در بالای صفحه اول شماره ۳۱ خرداد این روزنامه چاپ میشود، «آیدگان» حتی یک بار هم از آنها حمله‌ای که در سراسر ایران به دفاتر حزب توده ایران و یا فروشنده‌گان جنزیراند آن میشود، خبری درج نکرده است. در همین زمینه، مقاله صفحه اول روزنامه «مردم» در دفاع از آزادیهای دموکراتیک و اعتراض به حمله به معبد «جبهه» دموکراتیک ملی، را «آیدگان» ندیده، اما اعتراض دیگر گروهها را نسبت به این حمله، در صفحه اول خود منعکس میکند، یا وقتی حزب توده ایران از اولین سازمانهای سیاسی است که با «لاپچه

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق